

تحلیل و سنجش سطح برخورداری مناطق روستایی از خدمات کشاورزی و تعیین دهستان مرکزی برای خدمات رسانی کشاورزی در شهرستان ایذه

صادق الهیاری - عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور، گروه جغرافیا، ایران
سیاوش مولایی پارده* - دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

دریافت مقاله: ۹۱/۱۲/۱۲

پذیرش نهایی: ۹۲/۶/۲۵

چکیده

بخش کشاورزی به دلیل توانمندی در ایجاد ارزش افزوده و اشتغال‌زایی از یک سو و تأمین امنیت غذایی و حیات اقتصادی اجتماعی کشور از سوی دیگر، از اهمیت بسیار بالایی در رشد و شکوفایی اقتصادی ملی برخوردار است. از این رو تأسیس نظام خدماتی مؤثر برای کشاورزان در توسعه یافتگی جوامع روستایی نقشی بسزای خواهد داشت. هدف پژوهش حاضر سنجش سطح برخورداری دهستان‌های شهرستان ایذه از خدمات کشاورزی بر اساس ۲۵ شاخص کشاورزی و تعیین دهستان مرکزی بر اساس تعداد خدمات کشاورزی موجود در آن‌ها می‌باشد. روش تحقیق در پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی بوده و آمار و اطلاعات از نتایج سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۸۵ و همچنین از گزارشات مراکز ترویج خدمات کشاورزی دهستان‌ها گردآوری و تنظیم گردید. تحلیل داده‌ها و ترسیم نقشه‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و Arc GIS انجام گرفت و در همین راستا از فنون برنامه‌ریزی شاخص مرکزیت و شاخص ناموزون موریس استفاده شد. نتایج پژوهش با استفاده از هر دو روش نشان می‌دهد که در بین دهستان‌های مختلف شهرستان به لحاظ برخورداری از شاخص‌های کشاورزی، اختلاف بسیار بالایی وجود دارد به گونه‌ای که اختلاف بین برخوردارترین دهستان (دهستان حومه شرقی) نسبت به محروم‌ترین دهستان (دهستان سوسن شرقی) تقریباً پنج برابر بوده است. در پایان نیز با مشخص شدن تفاوت و اختلاف در سطوح برخورداری این دهستان‌ها، پیشنهادهایی برای برنامه‌ریزان و متولیان توسعه روستایی برای از بین بردن این نوع نابرابری‌ها توصیه شده است.

واژگان کلیدی: توسعه روستایی، توسعه کشاورزی، توزیع فضایی، مدل موریس، شاخص مرکزیت، شهرستان ایذه.

۱. مقدمه

بی شک تأمین نیازهای اولیه عمده‌ترین عامل توجه نوع بشر به کشاورزی بوده است. کهن‌ترین تمدن‌های باستانی در مناطقی از جهان شکل گرفتند که به لحاظ موقعیت جغرافیایی و زیست محیطی فعالیت کشاورزی در آن‌ها امکان‌پذیر بوده است. درحقیقت سایر بخش‌های اقتصادی بتدریج و با توجه به نیازهای بخش کشاورزی بوجود آمده‌اند (طهرانچیان، ۱۳۸۶: ۲). در کشور ما بخش کشاورزی حدود ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی، ۲۵ درصد صادرات غیرنفتی، ۲۵ درصد اشتغال و ۸۰ درصد نیازهای غذایی و صنایع کشور را فراهم می‌کند از این رو توجه جدی به این بخش لازم و ضروری است (صیادی، ۱۳۸۷: ۸۱). هدف اصلی برنامه‌های توسعه منطقه‌ای و نواحی روستایی دستیابی به الگوی مناسب برای توزیع سکونتگاه‌ها، امکانات و فعالیت‌ها براساس ظرفیت سرزمین و فضای جغرافیایی است (جمعه‌پور، ۱۳۸۵: ۲۰۸). در فرآیند برنامه‌ریزی و توسعه نواحی روستایی نیز شناخت نواحی روستایی از لحاظ وضع موجود و سطح توسعه یافتگی، بررسی تفاوت‌های محلی و ناحیه‌ای در زمینه توسعه، تبیین عوامل مؤثر در توسعه و نهایتاً تلاش برای حل مسائل و مشکلات و تأمین نیازها در راستای تعدیل نابرابری‌های موجود از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این راستا شاخص‌ها و نماگرها می‌توانند منعکس کننده شرایط اقتصادی و اجتماعی باشند و جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های لازم پیرامون آن‌ها باعث می‌شود که بتوان کم و کیف توسعه را در زمینه‌های مختلف بطور دقیق نشان داد (Shaban, 2000:103). از آنجایی که باید در تمامی برنامه‌ریزی‌ها از جمله برنامه‌ریزی‌های ناحیه‌ای از مقوله سنجیدگی استفاده نمود لذا روش‌ها و مدل‌های کمی مانند: تحلیل تاکسونومی، موریس، اسکالوگرام و میزان سنج نهادی گاتمن شاخص مرکزیت و ... با داشتن زبان ریاضی و با قابلیت ترکیب و تلفیق شاخص‌ها و متغیرهای توسعه، کاربرد گسترده‌ای در تعیین و تحلیل سطوح توسعه برخورداری نواحی روستایی دارند (Berheny, 1998:151). پژوهش حاضر با هدف سنجش و تحلیل سطح برخورداری مناطق روستایی از خدمات کشاورزی و تعیین دهستان مرکزی برای خدمات رسانی کشاورزی شهرستان ایذه انجام شده است. پس از گردآوری و تحلیل اطلاعات و داده‌ها، سطوح برخورداری دهستان‌ها با استفاده از دو مدل تلفیقی (موریس و شاخص مرکزیت) محاسبه گردید.

۲. مروری بر ادبیات تحقیق

۲-۱. مبانی نظری

در مطالعات روستایی، بهتر است سنجش واقعیت‌ها از طریق معیارهای معتبر و مطالعه تغییرات آن‌ها در شرایط مختلف صورت گیرد. بر این اساس، در بررسی‌ها و تحقیقات علمی روستاها، استفاده از شاخص‌ها و به کمیت در آوردن کیفیت‌ها ضروری به نظر می‌رسد. با مروری اجمالی بر نظریه‌های توسعه و توسعه نیافتگی، می‌توان دو مجموعه کلی از چارچوب بنیادین و نوین توسعه را مطرح کرد. مکتب تکاملی توسعه،

نظریه نوسازی، دیدگاه مارکسیستی از توسعه و نظریه وابستگی در چارچوب‌های بنیادین توسعه قرار می‌گیرند (ازکیا، ۱۳۸۱: ۳۵).

این مکاتب، با ریشه‌های عقلانی عمیق در اقتصاد کینزی، به گسترش نقش مداخله دولت در توسعه همراه با مشارکت کمک‌های خارجی معتقدند (مهندسین مشاور DH V، ۱۳۷۱: ۳۲). در تمام این مکاتب، به لحاظ غلبه رویکرد «بالا به پایین» و ایفای نقش حاکمیتی دولت در برنامه‌ریزی توسعه (صرافی، ۱۳۷۷: ۱۵۸) و به دلیل نگرش جزء گرایانه در تحلیل مسائل، بهره‌گیری برنامه‌ریزان از روش‌های کمی و مدل‌های ریاضی برای سهولت درک و شناخت پیچیدگی‌های مسائل و مشکلات در مناطق مختلف اجتناب ناپذیر است (افراخته، ۱۳۷۴: ۱۱). به طور کلی نظریه‌های ارائه شده درباره‌ی دستیابی به توسعه اقتصادی را می‌توان به دو گروه عمده‌ی، نظریه رشد نامتعادل^۱ و نظریه رشد متعادل^۲ تقسیم کرد:

الف) پرو،^۳ هیرشمن،^۴ سینگر،^۵ کیندلبرگر،^۶ استریتین^۷ و روستو^۸ از پیروان دکترین رشد نامتعادل هستند که در آن نظریه قطب رشد متجلی می‌شود. نظریه قطب رشد پویا بر دو اثر استوار است: یکی آثار تمرکز^۹ و دیگری آثار بخش^{۱۰}.

بر پایه این نظریه، رشد همزمان در همه جا اتفاق نمی‌افتد بلکه در نقاط یا قطب‌های توسعه اتفاق می‌افتد که از قدرت جاذبه بالایی برخوردارند (اثر تمرکز). این نقاط، توسعه را در کانال‌هایی پخش می‌کنند که کل اقتصاد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (اثر پخش) (کلانتری، ۱۳۸۰: ۷۰-۶۰).

ب) طرفداران نظریه قطب رشد معتقدند که گسترش شهرها منجر به توسعه اجتماعی اقتصادی روستاها می‌گردد و در نتیجه باید به دنبال گسترش و رشد صنایع در شهرهای بزرگ بود.

1. unbalances growth theory
2. balanced growth theory
3. Francios Perroux
4. Hirschman
5. Singer
6. Kindleberger
7. Streeten
8. Rostow
9. Polarization effects
10. spread effects

میردال^۱، هاریسن^۲، دویر^۳، دان فورد^۴ و میسرا^۵ معتقدند که نظریه قطب رشد نتوانسته است نابرابری و عقب ماندگی بین مناطق مختلف را در کشورهای توسعه نیافته از بین ببرد بلکه باعث تشدید نابرابری منطقه‌ای شده و الگوی مناسبی برای کشورهای توسعه نیافته نمی‌باشد (قره باغیان، ۱۳۷۰: ۱۷۰-۱۹۰). مطالعات تجربی زیر مؤید انتقادات وارد بر نظریه قطب رشد می‌باشد:

فدرو (Fedrov, 2002) رشد نابرابری منطقه‌ای روسیه را در دهه ۱۹۹۰ برجسته نشان داده است. واندرپویی و اورگل^۶ رشد و افزایش نابرابری منطقه‌ای را در غنا نشان می‌دهند. کیم و وی^۷ افزایش نابرابری منطقه‌ای چین را دلیلی بر مشکلات منطقه‌ای موجود در چین و یک مانع برای توسعه آن مناطق می‌دانند. درز و سن (Drez & Sen, 1995) پراکندگی توسعه اقتصادی و اجتماعی میان ایالت‌های هند را از عوامل عمده فقر در این کشور می‌دانند. گزارش توسعه انسانی در ایران تفاوت منطقه‌ای گسترده‌ای را میان ۲۶ استان از نظر درجه توسعه استانی نشان می‌دهد. برپایه این گزارش، نه تنها طبق نظریه همگرایی، عدم تعادل منطقه‌ای کاهش نیافته بلکه ضریب پراکندگی بین واحدهای تحت مطالعه نیز افزایش یافته است (PBOUNDP, 1999: 23)^۸. بعد از جنگ جهانی دوم، اقتصاددانان توجه خود را از بعد زمانی به بعد مکانی و منطقه‌ای توسعه معطوف کردند. از آن زمان تا کنون، بیشتر این نظریه پردازان به توصیف و تبیین ابعاد فضایی فرآیند توسعه اقتصادی - اجتماعی پرداخته و کوشیده‌اند تا الگویی کاربردی برای توسعه نواحی مختلف ارائه دهند و نسخه‌های نیز تجویز کنند (Kalantari, 1998: 28).

۲-۲. پیشینه تحقیق

در مورد توسعه یافتگی مناطق، مطالعات متعددی داخلی و خارجی صورت گرفته که در اینجا، به برخی از آنها اشاره می‌شود:

مایکل تودارو سه شرط را برای موفقیت و تحقق راهبرد توسعه روستایی و کشاورزی ضروری می‌داند؛ این شروط عبارتند از: اصلاحات ارضی، سیاست‌های حمایتی، و اهداف توسعه هماهنگ (تودارو، ۱۳۷۷). ملور نیز دو الزام مهم برای تحقق نرخ بالای رشد کشاورزی را توسعه زیر بناهای کالبدی و توسعه فناوری می‌داند و معتقد است که دولت باید نسبت به کشاورزی توجه خاص داشته باشد و به سرمایه‌گذاری‌های گسترده در خدمات مورد نیاز کشاورزان و به ویژه کشاورزان خرده پا بپردازد (ملور، ۱۳۸۳). نوربخش (Noorbakhsh, 2003) به بررسی تفاوت‌های منطقه‌ای و همگرایی بین ایالت‌های هند پرداخته است. وی با استفاده از روش تحلیل عاملی، از شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی برای به دست آوردن یک شاخص

1. Myrdal
2. Harrison
3. Dwyer
4. Down Fored
5. Misra
6. Vander Puye - Orgle
7. Kim & Wei

ترکیبی استفاده نموده و مناطق مورد مطالعه را با توجه به آن رتبه بندی کرده است. او برای تعیین وزن و درجه اهمیت شاخص‌ها از روش‌های تحلیل مؤلفه‌های اصلی، ضریب نابرابری و ترکیبی از آن استفاده نموده است. سپس با تحلیل رگرسیون بین سه شاخص به دست آمده و شاخص توسعه انسانی به آزمون نتایج پرداخته و در انتها ایالت‌های هند را براساس شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی مورد مطالعه رتبه بندی نموده است. باهاتیا و رای (Bhatia & Rai, 2004) با استفاده از ۲۳ شاخص به کمک روش‌های تحلیل عاملی و تاکسونومی عددی به تعیین سطح توسعه ۳۸۰ بلوک در ۳۲ منطقه از هند در سال ۲۰۰۱ پرداخته‌اند. در این تحقیق یک بار با کل ۳۲ شاخص، سطح توسعه بلوک‌ها تعیین شد، به طوری که ۴۳ بلوک توسعه یافته، ۱۸۷ بلوک نسبتاً توسعه یافته، ۱۱۸ بلوک کمتر توسعه یافته و ۳۲ بلوک توسعه نیافته شناخته شدند. سپس بار دیگر با ۱۲ شاخص مربوط به بخش کشاورزی، این بلوک‌ها را به لحاظ توسعه، رتبه بندی کرده‌اند.

زیاری و جلالیان (۱۳۸۷) برای مقایسه شهرستان‌های استان فارس، با استفاده از ۴۰ شاخص ترکیبی توسعه انسانی، به طبقه بندی آن‌ها در قالب یک شهرستان برخوردار، چهار شهرستان نیمه برخوردار و ده شهرستان محروم پرداخته و شدت نابرابری آن‌ها را طی سه دهه ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵ به ترتیب: ۰/۵۹، ۰/۴۴ محاسبه کرده‌اند. بختیاری (۱۳۸۱) در مقاله تحت عنوان تحلیل مقایسه‌ای از توسعه صنعتی استان‌های مختلف کشور، بر اساس تعدادی از شاخص‌های صنعتی، سطوح توسعه یافتگی صنعتی استان‌های کشور را با کمک روش تاکسونومی عددی انجام داده است. نتایج این تحقیق نشان داد که تفاوت فاحشی در سطح توسعه صنعتی استان‌های مختلف کشور وجود دارد. رکن‌الدین افتخاری و آقایی (۱۳۸۶)، در تحقیقی با عنوان سطح بندی پایدار توسعه روستایی، مطالعه موردی بخش هیر با بهره‌گیری از فنون بارومتری و تحلیل‌های فضایی، به سطح بندی پایدار توسعه روستایی پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق از وضعیت نامطلوب پایداری در این بخش حکایت دارد. بدری و اکبری‌ان (۱۳۸۵) در تحقیقی به تعیین سطوح توسعه یافتگی نواحی روستایی شهرستان کامیاران پرداخته‌اند. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که ضریب توسعه یافتگی دهستان‌های کامیاران متفاوت، و نابرابری میان آن‌ها زیاد است؛ و از مجموع هفت دهستان، یک دهستان در سطح توسعه یافته، پنج دهستان در سطح توسعه و یک دهستان در سطح توسعه نیافته قرار گرفته‌اند. اشتری (۱۳۷۳) با استفاده از تحلیل عاملی و تکنیک تاکسونومی عددی به رتبه بندی شهرستان‌ها، شهرها و روستاهای استان آذربایجان غربی پرداخته است. تعیین درجه توسعه یافتگی این استان در مقطع ۱۳۵۵-۱۳۶۵ موضوع اصلی مطالعه می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که درجه توسعه یافتگی شهرستان، شهر و روستاهای آذربایجان غربی به ترتیب به نسبت‌های ۲۲۴ درصد، ۱۶۶ درصد و ۷۵ درصد بهبود یافته، اما دوگانگی بین تمامی مناطق شدت یافته و افزایش فاصله شهرستان‌ها از مراکز استان موجب کاهش درجه توسعه یافتگی آن‌ها شده است.

۳. روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از نوع کاربردی و روش بررسی آن توصیفی - تحلیلی است. جامعه آماری تحقیق ۱۰ دهستان شهرستان ایزه با توجه به تقسیمات سیاسی اداری سال ۱۳۸۵ است. به منظور تعیین سطوح برخورداری نواحی روستایی شهرستان از خدمات کشاورزی با توجه به مسئله امکان دسترسی به داده های لازم، ۲۵ شاخص در زمینه فوق تعیین گردید. داده‌های مورد نیاز از نتایج سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۸۸ و همچنین از گزارشات مراکز ترویج و خدمات کشاورزی دهستان‌ها به دست آمده است. پس از محاسبه شاخص‌ها و متغیرها، با استفاده از شاخص مرکزیت و شاخص ناموزون موریس به تعیین و اندازه‌گیری سطوح برخورداری و توسعه نواحی روستایی شهرستان ایزه پرداخته شد. برای تحلیل داده‌ها و ترسیم نقشه‌ها از نرم‌افزارهای SPSS و Arc GIS 9.3 استفاده شده است.

جدول ۱. شاخص‌ها و متغیرهای مورد استفاده در پژوهش

ردیف	تأسیسات یا خدمات
۱	تعمیرگاه ماشین‌آلات کشاورزی
۲	تعداد تعمیرکار ماشین‌های کشاورزی
۳	چاه عمیق و نیمه عمیق
۴	قنات
۵	تعداد تراکتور
۶	چشمه دائمی
۷	گوشت فروشی
۸	فروشگاه تعاونی
۹	تعداد کمپاین
۱۰	انبار عمومی محصولات کشاورزی
۱۱	آبادی استفاده کننده از رودخانه دائمی از طریق موتور پمپ
۱۲	کارگاه صنایع تبدیلی محصولات کشاورزی
۱۳	دسترسی به وسیله نقلیه عمومی
۱۴	مروچ کشاورزی
۱۵	تعداد خانوار بهره بردار
۱۶	شورای روستا
۱۷	مرکز خدمات جهاد کشاورزی
۱۸	شرکت تعاونی تولید کشاورزی
۱۹	شرکت تعاونی روستایی
۲۰	دامپزشک و تکنسین دامپزشکی
۲۱	برنج کوبی
۲۲	آسیاب آرد آبی
۲۳	آسیاب آرد موتوری
۲۴	واحد بوجاری غلات
۲۵	پاتک

روش‌های سنجش درجه توسعه یافتگی: هدف نهایی برنامه‌ریزی نواحی روستایی دستیابی به الگوی مناسب برای توزیع منابع، امکانات و خدمات و نیز استفاده درست از منابع و قابلیت‌های سرزمین در راستای کاهش نابرابری و عدم تعادل بین مناطق و سکونتگاه‌های روستایی و شهری است که بر اساس ایجاد نظام سلسله مراتبی امکان‌پذیر خواهد بود. بنابراین، فنون و مدل‌های که الگوی توزیع، برخورداری

یا عدم برخورداری، و سطوح سلسله مراتب را نشان می‌دهد، دارای کاربردی گسترده‌اند (جمعه‌پور، ۲۰۰۹:۱۳۸۵).

روش شاخص مرکزیت: شاخص مرکزیت یکی از روش‌های نشان دادن میزان مرکزیت سکونتگاه‌هاست این شاخص اهمیت کارکردی عملکردها را نه تنها بر مبنای تعداد عملکردها در یک مکان، بلکه بر اساس فراوانی این عملکردها در کل منطقه اندازه‌گیری می‌کند. عملکردها وزنی معادل نسبت معکوس آن‌ها به خود می‌گیرند که ضریب مکانی نامیده می‌شود و از طریق فرمول زیر به دست می‌آید.

$$C_i = \frac{1}{t} \times 100$$

که در این رابطه C_i ضریب مکانی عملکردها i و T_i کل عملکردهای موجود در منطقه است. بنابراین یک بیمارستان عمومی و یا یک هنرستان فنی که فقط در بعضی از سکونتگاه‌ها وجود دارند، وزن بیشتری داده می‌شود تا یک دبستان ابتدایی و یا بقالی که در اغلب سکونتگاه‌ها وجود دارند. شاخص مرکزیت برای یک مکان، برابر است با مجموع وزن عملکردهای موجود در آن مکان. هرچه میزان این شاخص بیشتر باشد اهمیت کارکردی آن بیشتر است (حکمت نیا و موسوی، ۱۳۸۵:۲۴۸).

۴. یافته‌ها

۴-۱. محاسبات مبتنی بر شاخص مرکزیت

تکنیک شاخص مرکزیت با دادن وزن به عملکردهای مختلف و نشان دادن میزان مرکزیت سکونتگاه‌های شهری و روستایی، شیوه خاصی از رتبه بندی را ارائه می‌دهد برای نیل به این مهم ابتدا ضریب مکانی عملکردها به شرح ذیل محاسبه گردید.

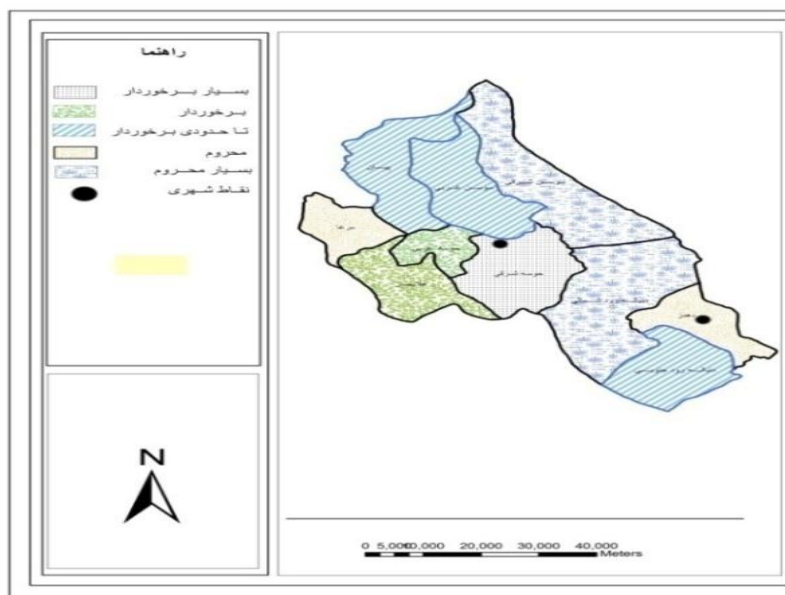
جدول ۳. محاسبه ضریب مکانی خدمات کشاورزی به تفکیک دهستان‌ها

تعداد خانوار بهره بردار	۱۱۷۰۸	۰۰۰۰۸۵
شورای روستا	۱۴۴	۰۰۶۹
مرکز خدمات جهاد کشاورزی	۶	۱۶۰۶۶
شرکت تعاونی تولید کشاورزی	۳	۳۴۰۳۳
شرکت تعاونی روستایی	۴۲	۲۰۳۸
دامپرورش و تکثیر دامپریشگی	۴	۲۵
برنج کوبی	۱۴	۷۰۱۴
آسیاب آرد آبی	۷	۱۴۰۲۸
آسیاب آرد موموری	۶۳	۱۵۸
واحد یوجاری غلات	۴	۲۵
بانک	۲	۵۰
تعداد تعمیر کار ماشین آلات کشاورزی	۳	۳۳۰۳۳
تعمیرگاه ماشین آلات کشاورزی	۵	۲۰
چاه عمیق و نیمه عمیق	۵۴	۱۵۸
قنات	۱۱	۹۰۹
تعداد تراکتور	۵۶۰	۰۰۱۷
چشمه دائمی	۳۴۸	۰۰۲۸
گوشت فروشی	۲۰	۵
فروشگاه تعاونی	۳۸	۲۰۳۶
تعداد کمیابان	۱۱	۹۰۹
انبار عمومی محصولات کشاورزی	۹	۱۱۱۱
آبادی استفاده کننده از رودخانه دائمی از طریق موتور پمپ	۱۰	۱۰
کارگاه صنایع تبدیلی محصولات کشاورزی	۱	۱۰۰
دسترسی به وسیله نقلیه عمومی	۱۰۰	۱
مروج کشاورزی	۲۰	۵
شاخص‌ها	جمع عملکردها	ضریب مکانی

جدول ۴. رتبه بندی و سطوح توسعه یافتگی دهستان‌های شهرستان ایذه با مدل شاخص مرکزیت

ردیف	دهستان	جمع مرکزیت	رتبه	سطح توسعه
۱	حومه شرقی	۳۸۴.۴	۱	بسیار برخوردار (۱)
۲	حومه غربی	۳۸۱.۲۳	۲	برخوردار (۲)
۳	هلايجان	۳۸۰.۹	۳	
۴	پیان	۲۷۷.۶۶	۴	تا حدودی برخوردار (۳)
۵	دنباله رود جنوبی	۲۶۱.۴۴	۵	
۶	سوسن غربی	۲۵۱.۳۹	۶	
۷	مرغا	۱۸۶.۶۴	۷	محروم (۴)
۸	دهدز	۱۷۹.۰۵	۸	
۹	دنباله رود شمالی	۹۵.۲۷	۹	بسیار محروم (۵)
۱۰	سوسن شرقی	۷۷.۳۲	۱۰	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۱



شکل ۲. سطوح توسعه یافتگی دهستان‌های شهرستان ایذه از لحاظ خدمات کشاورزی

همان طور که جدول (۴) نشان می‌دهد، دهستان حومه شرقی با شاخص مرکزیت ۳۸۴.۴ برخوردارترین دهستان و در رتبه اول قرار داشته و ۱۵.۵۳ درصد از خدمات کشاورزی را دارا می‌باشد و دهستان سوسن شرقی با شاخص مرکزیت ۷۷.۳۲ محروم‌ترین دهستان و تنها ۳.۱۲ درصد از خدمات کشاورزی را در خود جای داده است. دهستان حومه غربی با شاخص مرکزیت ۳۸۱.۲۳ در رتبه دوم قرار دارد. دهستان

هلایجان با شاخص مرکزیت ۳۸۰.۹ در رتبه سوم قرار دارد. دهستان‌های پیان، دنباله رود جنوبی، سوسن غربی، مرغا، دهدز، دنباله رود شمالی، سوسن شرقی به ترتیب در رتبه‌های چهارم تا دهم قرار گرفته‌اند. با توجه به مجموع شاخص مرکزیت دهستان‌های شهرستان ایذه به سطح بندی این دهستان‌ها در پنج گروه مبادرت شده:

۱. سطح بسیار برخوردار: دهستان حومه شرقی
۲. سطح برخوردار: دهستان‌های حومه غربی و هلایجان
۳. سطح تا حدودی برخوردار: دهستان‌های پیان، دنباله رود جنوبی و سوسن غربی
۴. سطح محروم: دهستان‌های مرغا و دهدز
۵. سطح بسیار محروم: دهستان‌های دنباله رود شمالی و سوسن شرقی

۲-۴. روش توسعه یافتگی موریس

برنامه عمران سازمان ملل، برای درجه بندی نواحی از لحاظ توسعه یافتگی (کالبدی، انسانی) الگوی به کار برده است که هم جدیدترین الگوی رسمی بکار گرفته در سطح جهانی بوده و هم قابلیت گسترش و جایگزینی آن‌ها در فضاهای مورد برنامه‌ریزی با مقیاس‌های مختلف و متنوع قابل اجرا است که به نام الگوی موریس معروف است (حسین‌زاده دلیر، ۱۳۸۰: ۱۵۲). این روش کاربرد و موارد استفاده‌ی مختلفی دارد که یکی از آن‌ها درجه بندی و طبقه بندی سکونتگاه‌ها است. مدل موریس با استفاده از داده‌های توصیفی هر واحد سکونتگاهی در مقایسه با واحدهای دیگر از دو پارامتر اصلی زیر سطح توسعه یافتگی را مشخص می‌کند. شاخص ناموزون موریس که از طریق فرمول $y_{ij} = \frac{x_{ij} - x_{ij \min}}{x_{i \max} - x_{i \min}}$ محاسبه می‌شود در این فرمول y_{ij} شاخص ناموزون برای تغییر نام و $x_{i \max}$ حداکثر متغیر نام است. شاخص اصلی توسعه که از طریق فرمول $D.I = \frac{\sum_{i=1}^n y_{ij}}{n}$ محاسبه می‌شود و در آن n تعداد شاخص‌های مورد مطالعه و $D.I$ شاخص اصلی توسعه است. ضریب شاخص توسعه موریس بین صفر تا ۱۰۰ در نوسان است که هر چه به ۱۰۰ نزدیکتر باشد سطوح توسعه یافتگی بیشتر است (رضوانی، ۱۳۸۳: ۱۵۰).

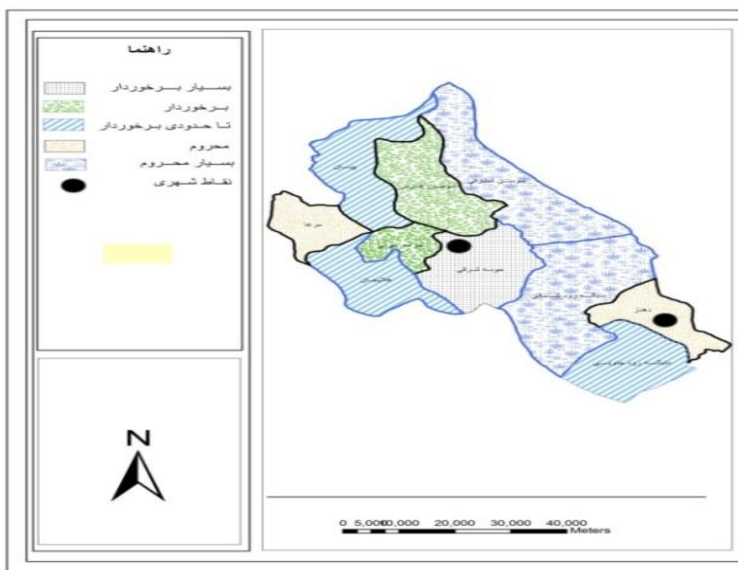
بر اساس مدل موریس، ضریب توسعه یافتگی هر کدام از دهستان‌های شهرستان ایذه محاسبه شده است. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که ضریب توسعه یافتگی دهستان‌ها از حداقل ۹/۲۵ تا حداکثر ۵۲/۲۰ نوسان دارد. بدین ترتیب، در بین نواحی روستایی این شهرستان، دهستان حومه شرقی با ۵۲/۱۹ بالاترین و دهستان سوسن شرقی با ۹/۲۵ پایین‌ترین ضریب توسعه یافتگی را دارند. که به ترتیب: ۱۶.۶۷ و ۲.۹۵ درصد از خدمات کشاورزی را در خود جای داده‌اند. با توجه به ضریب توسعه یافتگی، دهستان‌های شهرستان ایذه به پنج سطح بسیار برخوردار، برخوردار، تا حدودی برخوردار، محروم و بسیار محروم طبقه بندی شده‌اند. جدول (۵) رتبه و سطوح توسعه یافتگی این دهستان‌ها را نشان می‌دهد. بر این اساس دهستان حومه شرقی بسیار برخوردار، دهستان‌های حومه غربی و سوسن غربی جز دهستان‌های برخوردار،

دهستان‌های دنباله رود جنوبی، هلاچان، بیان، تا حدودی برخوردار، دهستان‌های دهدز و مرغا جزء دهستان‌های محروم و دهستان‌های دنباله رود شمالی، سوسن شرقی جز دهستان‌های بسیار محروم به شمار می‌روند.

جدول ۵. ضریب و کیفیت توسعه یافتگی دهستان‌های شهرستان ایذه با مدل موریس

نام دهستان	مجموعه امتیازات	ضریب نهایی	رتبه	سطح توسعه
حومه شرقی	۱۳۰۰۵	۵۲۰۲۰	۱	بسیار برخوردار
حومه غربی	۱۱۰۵۵	۴۶۰۱۹	۲	برخوردار
سوسن غربی	۹۰۹۹	۳۹۰۹۶	۳	
دنباله رود جنوبی	۸۰۹۴	۳۵۰۷۴	۴	تا حدودی برخوردار
هلاچان	۸۰۱۸	۳۲۰۷۳	۵	
بیان	۸۰۱۲	۳۲۰۴۸	۶	
دهدز	۷۰۴۵	۲۹۰۷۸	۷	محروم
مرغا	۵۰۳۱	۲۱۰۲۵	۸	
دنباله رود شمالی	۳۰۳۸	۱۳۰۵۳	۹	بسیار محروم
سوسن شرقی	۲۰۳۱	۹۰۲۵	۱۰	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰



شکل ۳. سطوح توسعه یافتگی دهستان‌های شهرستان ایذه از لحاظ خدمات کشاورزی

۵. بحث و نتیجه‌گیری

به طور کلی نتایج به دست آمده از هر دو روش تقریباً یکسان بوده و دهستان حومه شرقی به عنوان برخوردارترین دهستان در هر دو روش در رتبه اول قرار گرفته که این برتری به دلیل نزدیکی به مرکز شهرستان، بالا بودن تعداد خانوار بهره‌بردار کشاورزی، دسترسی به شبکه‌های ارتباطی مناسب قابل توجه است. دهستان حومه غربی از لحاظ برخورداری در رتبه دوم قرار گرفته و همچنین دهستان‌های دنباله رود شمالی و سوسن شرقی از لحاظ سطح برخورداری در رتبه‌های آخر (۹ و ۱۰) قرار گرفته‌اند که این ناشی از دور بودن به مرکز شهرستان، کوهستانی بودن دهستان‌ها و همچنین عدم دسترسی به شبکه ارتباطی مناسب عدم اسکان دائم در منطقه می‌باشد.

از دیگر نتایج به دست آمده حاکی از این است که در بین دهستان‌های مختلف شهرستان به لحاظ برخورداری از خدمات کشاورزی، اختلاف بسیار بالایی مشاهده می‌گردد به گونه‌ای که پایین‌ترین درصد برخورداری با استفاده از روش‌های شاخص مرکزیت و موریس به ترتیب: ۳.۱۲ و ۲.۹۵ درصد مربوط به دهستان سوسن شرقی و بالاترین درصد برخورداری نیز به ترتیب: ۱۵.۵۳ و ۱۶.۶۷ مربوط به حومه شرقی می‌باشد. محاسبه درصد برخورداری نشان داد که اختلاف برخوردارترین دهستان (حومه شرقی) نسبت به محروم‌ترین دهستان (سوسن شرقی) تقریباً ۵ برابر است که نشان دهنده شکاف و نابرابری بسیار شدید بین دهستان‌های مختلف از لحاظ برخورداری از شاخص‌های کشاورزی است.

جدول ۶. مقایسه ضریب برخورداری از سطوح توسعه در دو روش موریس و شاخص مرکزیت

مدل موریس				شاخص مرکزیت			
نام دهستان	مجموع امتیازات	ضریب نهایی	درصد برخورداری	رتبه	جمع مرکزیت	درصد برخورداری	رتبه
حومه شرقی	۱۳.۰۵	۵۲.۲۰	۱۶.۶۷	۱	۳۸۴.۴	۱۵.۵۳	۱
حومه غربی	۱۱.۵۵	۴۶.۱۹	۱۴.۷۵	۲	۳۸۱.۲۳	۱۵.۴۰	۲
سوسن غربی	۹.۹۹	۳۹.۹۶	۱۲.۷۶	۳	۲۵۱.۲۹	۱۰.۱۵	۳
دنباله رود جنوبی	۸.۹۴	۳۵.۷۴	۱۱.۴۱	۴	۲۶۱.۴۴	۱۰.۵۶	۴
هلاچان	۸.۱۸	۳۲.۷۳	۱۰.۴۵	۵	۳۸۰.۹	۱۵.۳۸	۵
پیان	۸.۱۲	۳۲.۴۸	۱۰.۳۷	۶	۲۷۷.۶۶	۱۱.۲۱	۶
دهدز	۷.۴۵	۲۹.۷۸	۹.۵۱	۷	۱۷۹.۰۵	۷.۲۳	۷
مرغا	۵.۳۱	۲۱.۲۵	۶.۷۸	۸	۱۸۶.۶۴	۷.۵۴	۸
دنباله رود شمالی	۳.۳۸	۱۳.۵۳	۴.۳۲	۹	۹۵.۲۷	۳.۸۴	۹
سوسن شرقی	۲.۳۱	۹.۲۵	۲.۹۵	۱۰	۷۷.۳۲	۳.۱۲	۱۰

با مشخص شدن میزان اختلاف و تعیین سطوح برخورداری و در نهایت جایگاه توسعه دهستان‌های هر استان در بخش کشاورزی، بایستی با استفاده از برنامه‌های توسعه‌ای، نسبت به بهبود وضعیت دهستان‌های محروم و خیلی محروم اقدام کرد در این برنامه‌ها توجه به نکات زیر می‌تواند مؤثر باشد:

۱. جاده‌های روستایی بویژه در نواحی کوهستانی به نحوه شایسته ترمیم و سرویس‌دهی عمومی روستاها منظم شود تا روستاییان بتوانند در کمترین زمان ممکن از خدمات کشاورزی واقع در مرکز شهرستان استفاده کنند.
۲. به دلیل عدم اسکان دائم در برخی از نواحی روستایی بعضی از خدمات و امکانات را می‌توان به صورت سیار در اختیار روستاها قرار داد.
۳. سرمایه‌گذاری بیشتر دولت در بخش مراکز ترویج و خدمات کشاورزی در مراکز دهستان‌ها و ارائه امکانات و خدمات لازم به آن‌ها.
۴. اولویت برنامه‌ریزی و توسعه روستایی در دهستان‌های بسیار محروم و محروم.

۶. منابع

۱. ازکیا، مصطفی، ۱۳۸۲، جامعه‌شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی ایران، انتشارات اطلاعات، تهران.
۲. اشتری، حمید، ۱۳۷۳، تعیین درجه توسعه نیافتگی شهرستان‌های استان آذربایجان غربی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
۳. افراخته، حسن، ۱۳۷۴، مدل در جغرافیا، انتشارات جهاد دانشگاهی، زاهدان.
۴. باغیان، مرتضی، ۱۳۷۰، اقتصاد رشد و توسعه، جلد دوم، نشر نی، تهران.
۵. بختیاری، صادق، ۱۳۸۱، تحلیل مقایسه‌ای از توسعه صنعتی استان‌های مختلف کشور، مجله تحقیق‌های بازرگانی شماره بهار، ۱۵۷-۱۸۶.
۶. بدری، سید علی و اکبریان رونیزی، سعید رضا، ۱۳۸۵، تعیین سطوح توسعه یافتگی نواحی روستایی شهرستان کامیاران، فصل‌نامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۸۲.
۷. تودارو، مایکل، ۱۳۷۷، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، مؤسسه عالی تحقیق در برنامه‌ریزی و توسعه، تهران.
۸. جمعه پور، محمود، ۱۳۸۵، برنامه‌ریزی توسعه روستایی، انتشارات سمت، تهران.
۹. حسین‌زاده دلیر، کریم، ۱۳۸۰، برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، انتشارات سمت، تهران.
۱۰. حکمت‌نیا، حسن و میرنجف موسوی، ۱۳۸۵، کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای، علم نوین، یزد.
۱۱. رضوانی، محمدرضا، ۱۳۸۳، سنجش و تحلیل سطوح توسعه یافتگی نواحی روستایی شهرستان سنندج با استفاده از GIS، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۳.
۱۲. رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و آقایی، محسن، ۱۳۸۶، سطح بندی پایداری توسعه روستایی، مطالعه موردی بخش هیر، فصل‌نامه پژوهش‌های جغرافیایی دانشگاه تهران، شماره ۶۱.
۱۳. زبیری، کرامت الله و جلالیان، اسحاق، ۱۳۸۷، مقایسه شهرستان‌های استان فارس بر اساس شاخص‌های توسعه، فصل‌نامه جغرافیا و توسعه، شماره ۱۱.
۱۴. صرافی، مظفر، ۱۳۷۷، مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای، مرکز مدارک اقتصادی و اجتماعی سازمان برنامه بودجه، تهران.
۱۵. صیدایی، اسکندر، ۱۳۸۷، برنامه‌ریزی روستایی در ایران، انتشارات جهاد دانشگاهی اصفهان.

۱۶. طهرانچیان، امیر منصور، ۱۳۸۶، نقش کشاورزی در رشد اقتصادی ایران (۱۳۴۰-۱۳۸۱)، ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی، مشهد.
۱۷. کلانتری، خلیل، ۱۳۸۰، برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای (تئوری‌ها و تکنیک‌ها)، انتشارات خوشبین، تهران.
۱۸. گزارشات مراکز ترویج و خدمات کشاورزی دهستان‌ها، ۱۳۸۸، سازمان جهاد کشاورزی، ایذه.
۱۹. مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵، نتایج سرشماری نفوس و مسکن استان خوزستان، تهران.
۲۰. ملور، جان ویلیام، ۱۳۸۳، توسعه کشاورزی در ایران: تعامل هدف‌ها و راهبردها، فصل‌نامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۱۲ شماره ۴۵.

21. Berheny, M. & A. Hooper., 1985, **Rationality in planning**, London.
22. Shaban, A. Bhole, L. M., 2000, **Regional Disparities in rural Development in india**, journal of Development, vol 19, pp103-117, Hyderad NIRD.
23. Dreze, J. & A. Sen., 1995, **India: economic development and social opportunity**, Oxford University Press.
24. Fedrow, L., 2002, **Regional inequality and regional polarization on Russia, 1990-99**, World Development, 30-(3): 443-456.
25. Noorbakhsh, Farhad., 2003, **Human development and regional Disparity in India**, University of Glasgow.

Archive of SID